



Hindabā: A Content Review of Medicinal and Pharmaceutical Books of the Islamic Period

Sara Farzpourmachiani¹ 

1. Department of History of Science, Encyclopedia Islamica foundation, Tehran, Iran.
(s.farzpourmachiani@rch.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 13 March 2024
Received in revised form: 7 July 2024
Accepted: 26 July 2024
Published online: 29 July 2024

Keywords:
Hindabā,
Succory (Kāsnī),
Ṭarakhshagūg,
medicinal and
pharmaceutical books,
morphology,
medicinal properties.

ABSTRACT

Hindabā is a medicinal plant documented in various medical and pharmaceutical books from the Islamic period. Scholars of that time also referred to this plant using names such as Antūbiyā, Bakrīziyā, Tifāf, Kāsnī, and Kasnāj, attributing medicinal properties to its different parts, like leaves and roots. Modern researchers associate Hindabā with *C. intybus* and *C. endivia* from the Asteraceae family. This research focuses on examining the entries related to Hindabā in selected medicinal and pharmaceutical books from the 3rd to 12th centuries of the Islamic period.

Muslim scholars predominantly distinguished between two types of Hindabā: Barrī and Bostānī, describing their morphological characteristics. Books like *al-Hāwī fī al-Tibb*, *Al-Jām' li-Mufradāt Al-Adwiyat wa al-Aghdhīyat*, *Ikhṭiyārāt Badīy*, *Hadīghat al-Azhār*, *Tadhkirat al-Albāb*, *Tuḥfat al-Muminīn*, and *Makhzan al-Adwiyih* cover aspects such as the Hindabā types and their characteristics, names of Hindabā in different languages, and its medicinal properties. *Umdat al-Tabīb* provides the most comprehensive explanations of Hindabā morphology among the studied texts, discussing its types, names, and characteristics. Meanwhile, *Ferdus al-Hikmat* focuses exclusively on the medicinal properties of Hindabā. The context of Hindabā in *Tadhkirat al-Albāb*, *Tuḥfat al-Muminīn*, and *Makhzan al-Adwiyih* is notably similar. Books like *al-Ṣaydanah* and its Persian translations and adaptations offer insights into the term Hindabā itself. In most of the analyzed texts, Ṭarakhshagūg is referred to as Kāsnī barrī.

Cite this article: Farzpourmachiani, S (2024). Hindabā: A Review of Medicinal and Pharmaceutical Books from the Islamic Period. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 56 (2), 114-134.

DOI: 10.22059/jhic.2024.373906.654472



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2024.373906.654472

Publisher: University of Tehran Press.

گیاه هندبا؛ بررسی محتوایی منابع پزشکی و داروشناسی دوره اسلامی

سارا فرض پور ماچیانی^۱

۱. گروه تاریخ علم، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: s.farzpourmachiani@rch.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۱۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۹/۲۴</p> <p>کلید واژه‌ها: آثار پزشکی و گیاه داروشناسی دوره اسلامی، خواص دارویی، ریخت‌شناسی، کاسنی، طرخشقوق، هندبا.</p>	<p>هندبا از گیاهان دارویی مورد توجه در منابع پزشکی و داروشناسی دوره اسلامی است. حکمای دوره اسلامی از آن با نام‌هایی چون آنطوبیا، بکریذیا، تیفاف، کاسنی و کسنج یاد کرده و برای اجزای مختلف این گیاه از جمله برگ و ریشه آن خواص درمانی قائل شده‌اند. پژوهشگران معاصر هندبا را با گیاه <i>Cichorium intybus</i> و <i>C. endivia</i> از تیره Asteraceae تطبیق داده‌اند. در این پژوهش، مدخل هندبا در تعدادی از آثار پزشکی و گیاه داروشناسی دوره اسلامی از سده ۳ تا ۱۲ قمری بررسی شده است. به‌طور غالب، حکمای دوره اسلامی هندبا را به دو نوع بری و بستانی تقسیم کرده و شرح ریخت‌شناسی هر یک را نیز بیان داشته‌اند. در آثاری چون <i>الحوای فی الطب، الجامع لمفردات الأدوية والأغذیه، اختیارات بدیعی، حدیقه الأزهار، تذکره الأولی الألباب، تحفه المؤمنین و مخزن الأدوية</i> به مواردی چون انواع هندبا و ویژگی‌های آن، نام هندبا در زبان‌های مختلف و خواص دارویی آن و در <i>عمده الطبیب فی معرفه النبات</i> به انواع، ویژگی‌ها و نام‌های هندبا اشاره شده و منبع اخیر، کامل‌ترین شرح گیاه‌شناسی را در میان منابع مورد بررسی داشته است. در آثاری چون <i>فردوس الحکمه</i> فقط به خواص دارویی هندبا پرداخته شده است. مطالب یاد شده در آثاری چون <i>تذکره الأولی الألباب، تحفه المؤمنین و مخزن الأدوية</i> شباهت زیادی با یکدیگر دارند. در آثاری چون <i>الصیدنه فی الطب</i> و <i>تحریر کهن فارسی آن</i>، می‌توان درباره واژه هندبا آگاهی‌هایی کسب کرد. طرخشقوق نیز در بیشتر منابع کاسنی بری دانسته شده است.</p>

استناد: فرض پور ماچیانی، سارا (۱۴۰۲). گیاه هندبا؛ بررسی محتوایی منابع پزشکی و داروشناسی دوره اسلامی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۶ (۲)، ۱۱۴-۱۳۴.
DOI: 10.22059/jhic.2024.373906.654472



© نویسندهگان.
DOI: 10.22059/jhic.2024.373906.654472

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

شناخت گیاهان و خواص آنها برای اهدافی چون تهیه دارو و غذا از روزگار دور مورد توجه بوده و آثار متعددی در این باره نوشته شده است. گیاه هندبا نیز از دیرباز به سبب خواص دارویی آن اهمیت به سزایی داشته است. نبطی‌ها و یونانی‌ها آن را می‌شناختند و در پزشکی از آن استفاده می‌کردند. کتاب *الفلاحة النبطیة* را که به شناخت، خواص و کشت گیاهان نزد نبطی‌ها اختصاص دارد، می‌توان از نخستین آثار کشاورزی و گیاه‌شناسی برشمرد (فهد، 2005: 813). که در آن به ویژگی‌های گیاه‌شناسی و خواص دارویی هندبا نیز پرداخته شده است (*الفلاحة النبطیة*، 1995: ج 2، 761-771، 1483-1485). این اثر که نوشته سه دانشمند نبطی به نام‌های ضغریث، ینبوشاد و قوثامی است، توسط ابن‌وحشیه (سده 3 و 4 ق) به عربی ترجمه شده است (مولوی، 1378: 67-68). از دیگر آثار نگاشته شده در این زمینه، می‌توان به *الحشائش فی هیولی الطب* اثر دیو سکوریدس¹، گیاه دارو شناس مشهور یونانی سده نخست میلادی، اشاره کرد. دیو سکوریدس در این اثر در پنج مقاله به موضوعاتی چون گیاهان دارویی و معطر، غلات و بقولات پرداخته است (فهد، 2005: 813؛ محمدی‌فر: 1394: 214، 221-223). پزشکان و داروسازان دوره اسلامی نیز توجه خاصی به گیاهان دارویی داشتند و در آثار خود علاوه بر خواص درمانی، گاه به مواردی چون ماهیت دارو، ریشه‌شناسی و نام آن دارو در زبان‌های مختلف، انواع و شرح ریخت‌شناسی گیاه و نیز چگونگی تجارت آن دارو می‌پرداختند. هندبا نیز از جمله این گیاهان است. در منابع کهن دوره اسلامی واژه *هندبا* / *هندبا* / *هندبا* به گونه‌های دیگری چون *هندب* و *هندبه* نیز آمده است (دیوسکوریدس، ترجمه مهرا بن منصور، گ 130؛ ابوالخیر اشیبلی، 1995: ج 2، 609؛ محمدبن یوسف یوسفی هروی، 1288: ذیل «الهندب»؛ شیرازی²، توضیحات گلاوین³، 1793: ش 1426، ذیل «هندبا»؛ سلوم، 2003: 73، 135-136؛ برای آگاهی از واژه‌شناسی و نام‌های دیگر هندبا؛ ابن میمون، ترجمه فرانسوی، 1940: 57، ش 114، توضیحات مایرهوف؛ بکری بلخی، 1394: ذیل «هندبا»، 554؛ حسن دوست، 1399: ج 4، ذیل «هندبا»؛ رفیق الدین، 1985، ذیل «کاسنی»).

شناخت، کشت و خواص دارویی آن نیز در منابعی چون واژه‌نامه‌ها، آثار پزشکی، داروسازی، کشاورزی و عجایب‌نامه‌ها یادآور شده است؛ از جمله این منابع می‌توان به *عجایب المخلوقات* قزوینی اشاره کرد. او در این کتاب به ماهیت، نام فارسی، انواع و شرح ریخت‌شناسی هندبا پرداخته و حدیثی از امیرالمؤمنین (ع)

1 Fahd

2 Dioscorides

3 Shirázy

4Gladwin

و نقل قولی از ابن سینا را درباره این گیاه بیان کرده و به باوری در میان مردم درباره چگونگی درمان دندان درد با استفاده از هندبا اشاره کرده است:

«نباتی است که به پارسی او را کاسنی خوانند بعضی از آن بری بود و بعضی بستانی و آن باریک بزرگ پهن باشد و بسیار تلخ بود. امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه فرمودند: «فی کل ورقه من ورق الهندبا وزن حبه من ماء الجنة»، معنی چنین بود که در هر برگ از برگهای هندبا وزن یکدانه است از آب بهشت. شیخ رئیس گفته چون نقرسی را بدان مرهم کنند نافع بود و بیخ هندبا با برگهای او مرهم کنند مرگزیدگی کژدم و مار و زنبور و گربه و سگ را بغایت نفع کند و تب ربع را نفع کند و گویند هر که را درد دندان باشد یک بهلولی از هندبا بگیرد و مقابل قمر آید در ماهی که اول آن ماه شب یکشنبه بود و ماه نو را در آن شب دیده باشد و سوگند خورد که در این ماه هندبا با گوشت اسب نخورد که درد دندان او زائل شود و همیشه بازنگردد» (قزوینی، 1361: 396).

ابوریحان بیرونی، ابن بیطار و عقیلی علوی خراسانی را می توان از جمله حکمای دوره اسلامی برشمرد که مطالب خود را با ذکر ماخذ بیان داشته و گاه تجربیات خود را نیز به آن افزوده اند.

چنانکه عقیلی علوی خراسانی در *مخزن الادویه* درباره ماهیت هندبا چنین آورده است: «نباتی است معروف و در اکثر بلاد بهم میرسد و اقسام مییابد از بری و بستانی و هر یک نیز بر دو قسم است. آنچه را برگ بزرگ و دراز و با خشونت و مایل بتلخی و ساق آن تا بدو ذرع و زیاده نیز با شاخهای رخو و گل کیود و اندک بزرگ و خوش منظر هندبای شامی نامند و آنچه را برگ کوچکتر و گل ریزه تر و کیود و تلخی آن زیاده هندباء البقل گویند و بحسب اختلاف اهویه و امکانه و ازمنه تغیر در طعم و رنگ و طبع آن بهم میرسد در تابستان کاه است که تلخی بسیار بهم میرساند پس آن هنگام میل بحرارت کمی مینماید حدیکه اثر برودت بسیار از آن ظاهر نمیگردد و بستانی را کاسنی و بری را طرخ شقوق نامند» (1371: 961-960).

شعبان بن سلیم صنعانی^۱، شاعر، پزشک و گیاه شناس سده یازدهم و دوازدهم هجری در کتاب *نتائج الفکر فی المقابله بین خواص الثمر در قالب ارجوزه* به خواص درمانی هندبا در ترکیب با داروهای دیگر اشاره کرده است؛ چنانکه آب هندبا را همراه با خیارشبر برای قولنج مفید دانسته و در وصف خیارشبر این چنین آورده است:

«و هو بماء الهندبا إذا شرب»
 ینفع للقولنج حین یضطرب^۲ (1993: 48، بیت 532).

1 Şan'ānī,

2 «آب هندبا اگر نوشیده شود... برای قولنج هنگام اضطراب مفید است»

پژوهشگرانی چون مایر هوف¹، رنو² و کولن³ با توجه به شرح ریخت‌شناسی هندبا در منابع کهن، آن را با دو گونه *Cichorium. intybus* و *C. endivia* از تیره *Compositae/Asteraceae* تطبیق داده‌اند (ادامه مقاله). *C. intybus* گیاهی علفی است که به دو صورت خودرو و کاشته شده وجود دارد. ارتفاع نوع خودروی آن 0/5 تا 1/5 متر و در نوع کاشته شده تا 2 متر است. این گیاه، ریشه نسبتاً ضخیم و عمودی به رنگ قهوه‌ای و حامل شیرابه‌ای شیرین رنگ دارد. ساقه آن باریک، استوانه‌ای، خشبی و دارای شاخه‌های منشعب دور از هم و تعداد زیادی کپه‌های گل به رنگ آبی است. برگ‌های این گیاه به‌طور متناوب روی ساقه قرار دارند و در اطراف رگبرگ میانی پوشیده از کرک هستند. در ساقه آن ماده شیرین رنگ و تلخی به نام شیکورین / سیکورین⁴ وجود دارد. این گیاه دارای برگ‌های پهن یا باریک با بریدگی‌های عمیق و نوک تیز است. برگ‌های پایینی بزرگتر، پهن‌تر و دندانه‌دار و برگ‌های انتهایی هر چه به نوک ساقه نزدیک‌تر باشد، کوچکتر و باریک‌تر است (قهرمان، 1373: ج 3: 515-517؛ زرگری، 1368: ج 3: 212، 215، 220؛ جاویدتاش، 1375: 6؛ مظفریان، 1375: 126). این گیاه که به کاسنی معروف است، در پاییز گل می‌دهد و گل‌هایش در مقابل تابش نور خورشید باز و هنگام غروب بسته می‌شوند. برگ‌های این گیاه در سالاد مصرف می‌شود. ریشه آن را نیز خشک کرده، سپس بو داده و بعد از پودر کردن به جای قهوه استفاده می‌کنند؛ از این رو به نام کاسنی قهوه نیز شناخته می‌شود (زرگری، 1368: ج 3: 213-214، 216؛ میلنه⁵ و میلنه⁶، 1970: 249؛ پرنس⁷ و نسبیت⁸، 2005: 117؛ طباطبائی، 1365: 621). گونه *C. endivia* نیز نوعی کاسنی خودرو با تلخی کمتر است. برگ‌های آن بریدگی‌های زیاد دارد و خواص آن نسبت به گونه قبلی کمتر است. در زمستان به‌جای کاهو مصرف می‌شود (زرگری، 1368: ج 3: 220؛ پرنس⁸ و نسبیت⁹، 2005: 117). این گیاهان در سراسر دنیا به صورت خودرو در محل‌های مرطوب، کنار جاده‌ها، محل اسکان دام در دامنه‌های کوهستانی، مزارع و برخی باغ‌ها وجود دارند (مظفریان، 1397: 245؛ جاویدتاش، 1375: 6؛ اصلاح عربان، 1374: ج 1: 392).

در داروسازی جدید برای اجزای این گیاه از جمله بذر، برگ و ریشه این گیاه خواصی قائل شده‌اند (زرگری، 1368: ج 3: 217-220). در میان ایرانیان نیز خواص درمانی آن مورد توجه بوده است؛

1 Meyerhof

2 Renaud

3 Colin

4 Chicorine/ Cichorine

5 Milne

6 Prance

7 Nesbitt

8 Prance

9 Nesbitt

به گونه‌ای که در خرا سان برای درمان حصبه، بذر کاسنی را با بذر کاهو و کدوی گردن باریک کوبیده و شیرۀ آن را به بیمار می‌خوراندند و تفاله‌اش را نیز روی سر او می‌گذاشتند (شکورزاده، 1346: 211). در سروستان برای درمان صرع، آب یا عرق کاسنی را با شکر به بیمار می‌دادند (جانب الهی، 1390: 159). مردم گیلان برای رفع تب و لرز و زردی چهره، ریشۀ کاسنی را به صورت ورقه‌های نازک بریده در آب می‌خی‌ساندند و نیمه شب پارچۀ ململی روی آن می‌انداختند و در شب مهتابی بیرون اتاق می‌گذاشتند تا خنکای سحر بر آن اثر کرده و سبب افزایش خواص درمانی آن شود (بشرا، 1389: 93؛ برای آگاهی بیشتر درباره کاسنی؛ فرض پور ماچیانی، مدخل «کاسنی»).

پیشینه و هدف پژوهش

پژوهشگرانی که درباره متون کهن دوره اسلامی اعم از شرق و غرب جهان اسلام مطالعه می‌کنند به بررسی و تطبیق نام گیاهان موجود در این متون با اسامی علمی جدید آنها پرداخته‌اند. شاید در این میان، بتوان افرادی چون رنو، کولن و مایرهوف را از پیشگامان این پژوهش‌ها برشمرد. رنو و کولن (1934) متن عربی کتاب *تحفه الأحاب* را به همراه ترجمۀ فرانسوی آن منتشر کرده و نام علمی هر یک از داروهای موجود در این اثر را بیان کرده‌اند. مایرهوف (1946) نیز متن کتاب *اسماء العقار* ابن میمون را به فرانسوی ترجمه کرده و شرحی بر آن افزوده و نام علمی گیاهان را آورده است. قهرمان و اخوت در کتاب *تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی و نیز شرح تطبیقی گیاهان دارویی کهن*، شرح ریخت‌شناسی هر یک از گیاهان را از منابعی چون *تحفه حکیم مؤمن و مخزن الأدویۀ عقیلی علوی* خراسانی برگرفته و با اسامی علمی آنها تطبیق داده‌اند. گیاه هندبا نیز از جمله گیاهان مطرح شده در منابع یاد شده است. پژوهشگران یاد شده، هندبا را با دو گونه *Cichorium. intybus* و *C. endivia* از تیره Compositae/Asteraceae تطبیق داده‌اند (ابن میمون، ترجمۀ فرانسوی، 1940: ش 114، 57، توضیحات مایرهوف؛ *تحفه الأحاب*...، توضیحات رنو و کولن، ص 57، ش 124؛ قهرمان و اخوت، 1383: ج 1: 297-298). امیری (1353) نیز در فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار یا تحقیق درباره کتاب *الأبنیۀ عن حقائق الأدویۀ موفق الدین ابومنصور علی الهروی* نام داروهای مختلف در *الأبنیۀ* را همراه با شرح هر یک از آنها در منابع کهن و در منابع گیاه‌شناسی جدید آورده است. قنادی و همکاران (1389) خواص درمانی کاسنی را در منابع طب سنتی ایرانی و مطالعات جدید مطالعه کرده و به بررسی تطبیقی خواص این گیاه در این دو دسته از منابع پرداخته‌اند. معینی و کلاهدوزان (1394) کاربردهای درمانی سداب و کاسنی را در احادیث و روایات معتبر شیعه یافتند، سپس کاربردهای هم‌سان آن را در متون ادب فارسی جست‌وجو و در نهایت، این کاربردها را در دانش جدید بررسی کردند. شیرزاد و همکاران (1399) گونه‌های مختلفی که امروزه با عنوان کاسنی شناخته می‌شوند، از نظر ریخت‌شناسی با اطلاعات

موجود در برخی منابع کهن دوره اسلامی تطبیق داده‌اند. نتایج آنها، حاکی از آن است که کاسنی بری معادل *C. intybus* و کاسنی بستانی معادل *C. endivia* است و گونه‌های دیگر شامل *Chondrilla* *Cichorium pumilum juncea* و *Taraxacum officinale* تفاوت‌های آشکاری در ویژگی‌های گیاهی با دو گونه اصلی دارند. باوجود پژوهش‌های انجام شده، بررسی محتوایی منابع کهن شامل آثاری از شرق و غرب جهان اسلام با توجه به موضوعاتی چون واژه‌شناسی، ریخت‌شناسی و خواص این گیاه تاکنون انجام نشده است؛ از این رو در پژوهش حاضر به بررسی شرح ریخت‌شناسی هندبا در منابع پزشکی و داروسازی دوره اسلامی از سده سوم تا دوازدهم پرداخته شده است. همچنین محتوای این متون از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بررسی و مشخص شده‌اند هر یک از منابع چه اطلاعاتی درباره گیاه مورد نظر به دست می‌دهند و کدام منابع در شرح ریخت‌شناسی این گیاه شباهت بیشتری به هم دارند.

روش پژوهش

برای بررسی گیاه‌شناسی و خواص هندبا، محتوای آثار پزشکی و گیاه‌داروشناسی دوره اسلامی، تعدادی از منابع این دوره از سده سوم تا دوازدهم هجری بررسی شدند که این آثار عبارت‌اند از: *فردوس‌الحکمه*، *الجاوی فی الطب*، *الإعتماد فی الأدوية المفردة*، *کامل الصناعه الطبیه*، *منهاج البیان فی ما يستعمله الانسان*، *الأبنیه عن حقایق الأدوية*، *القانون فی الطب*، *الصیینه فی الطب*، *الأغراض الطبیه و المباحث العالیه*، *الأدویه المفردة*، *عمده الطیب فی معرفه النبات*، *تحریر فارسی صیینه*، *الجامع لمفردات الأدوية و الأغذیه*، *تذکره الاولی الالیاب*، *بحر الجواهر*، *ریاض الأدوية*، *اختیارات بدیعی*، *حدیقه الأزهار فی ماهیه العشب و العقار*، *تحفه المؤمنین و مخزن الأدوية*.

گیاه هندبا در الحشائش دیوسکوریدس

الحشائش از جمله مهم‌ترین آثاری است که در آن به موضوع داروشناسی پرداخته شده است و حکمای دوره اسلامی در آثارشان از آن بسیار بهره برده‌اند. از این رو، پیش از ورود به بحث بررسی محتوایی آثار کهن دوره اسلامی به شرح ریخت‌شناسی این گیاه در *الحشائش* می‌پردازیم. دیوسکوریدس هندبا را *سرس* / *سریس* نامیده و آن را به دو نوع دشتی و بستانی تقسیم کرده است. اصطفین بسیل در ترجمه خود بر کتاب *الحشائش*، این گونه آورده است که «نوع بری برگش پهن‌تر از بستانی است و بستانی نیز بر دو نوع است: یکی شبیه کاهو و برگش پهن است و دیگری برگش باریک‌تر است و مزه تلخ دارد (1952: 200).

مهران بن منصور در ترجمه خود چنین آورده است که «نوع دشتی آن تلخ و دارای برگ‌های پهن است و نوع بستانی شباهت زیادی به کاهو دارد و به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یکی دارای برگ‌های پهن و دیگری با برگ‌های باریک و تلخ» (مهران بن منصور، گ 130ر)؛ دیو سکوریس، 1391: گفتار دوم، 180؛ شکل 1).



شکل 1- انواع هندبای بری و بستانی در کتاب الحشائش، ترجمه مهران بن منصور، گ 130 پ و 131ر.

بررسی محتوایی منابع پزشکی و گیاه داروشناسی دوره اسلامی

منابع مورد بررسی از نظر محتوایی به چند دسته زیر تقسیم می‌شوند:

- الف). منابعی که فقط به ذکر انواع هندبا پرداخته‌اند؛
- ب). آنهایی که فقط به نام‌های هندبا اشاره کرده‌اند؛
- ج). منابعی که انواع و خواص این گیاه را آورده‌اند؛
- د). آنهایی که انواع، نام و ویژگی‌های هر یک از انواع هندبا را بیان کرده‌اند؛
- ه). منابعی که به انواع، ویژگی‌ها و خواص هندبا پرداخته‌اند؛
- و). منابعی که فقط به خواص آن اشاره کرده‌اند؛

	✓						✓	تحریر فارسی صیدنه
✓								الجامع لمفردات الأدویة و الأغذیة
✓								اختیارات بدیعی
								تذکره الاولى الالباب
			✓					بحر الجواهر
			✓					ریاض الأدویة
✓								حدیقه الأزهار فی ما هیة العشب و العقار
								تحفة المؤمنین
								مخزن الأدویة

علی بن ربن طبری در فردوس الحکمة (1928: 377) فقط به خواص این گیاه اشاره کرده است. همچنین محمد بن یوسف یوسفی هروی در بحر الجواهر (1288: ذیل الہندب) ضمن توضیحاتی درباره اعراب واژه هندبا به خواص آن نیز پرداخته است. ابوریحان بیرونی در الصیدنه فی الطب (629: 1370) به ذکر نام‌های هندبا و توضیحاتی درباره اعراب واژه هندبا پرداخته است (نک. ادامه مقاله). ابن جزار در الإعتقاد فی الأدویة المفردة و ابن سینا در القانون فی الطب (1401: ج 1، کتاب 2: 483) انواع، ویژگی‌ها و خواص هندبا را بیان کرده‌اند.

ابن جزار چنین آورده است: هندباء را به دو نوع تابستانی و زمستانی تقسیم کرده و درباره طعم و ویژگی‌های هر یک شرح داده و این چنین بیان کرده است: «و منه الصیفی و منه الشتوی و هو مرکب من قوی مختلفه من مرارة و عفوصه و تفاهه. و الصیفی فی طعمه مرارة و فی ورقه خشونة... و اما الہندباء الشتوی فان التفاهه علی طعمه أغلب لأنه أقل مرارة و عفوصه.» (1431: 51).

1 نوعی تابستانی و نوعی زمستانی است و از نیروهای مختلفی چون تلخی و تندی و بی‌مزگی تشکیل شده است. نوع تابستانی طعمش تلخ و برگش زیر است و هندبای زمستانی طعمش بیشتر بی‌مزگی و کمتر تلخ و تند است.

موفق بن علی هروی در *الأنبيء عن حقایق الأدوية* و یوسف بن محمد هروی در *ریاض الأدوية*، نام و خواص هندبا را بیان کرده‌اند.

به‌نوشته هروی هندبا شبیه به کاهو و کمی تلخ است. او همچنین برای این گیاه خواصی بر می‌شمارد؛ از جمله بازکننده جگر و آبش برای یرقان مفید است و اگر با خیار شنبه خورده شود، ورم‌های شکم را از بین می‌برد. هروی، هندبایی را که در زمستان می‌روید، تر و سرد و نوعی را که در تابستان می‌روید، کمی گرم و خشک دانسته است (1371: 340).

مجو سی اهوازی در *کامل الصنعة الطبیة* به نوع بستانی و خواص آن پرداخته است؛ او چنین آورده است:

«أجوده البستانی و مزاجه بارد فی اول الدرجة الاولى یابس فی الثانية نافع من سدد الكبد و الیرقان و من اورام الاحشاء الحارة اذا شرب مع الفلوس الخیارشنبر و اذا طلی من خارج مع الصندل نفع الاورام الحارة لانه ینضج و یحلل»¹ (1294: ج 1: 106 و 111).

غافقی در *الأدویة المفردة* و ابوالخیر اشبیلی در *عمدة الطبیب فی معرفة النبات* به انواع، نام و ویژگی‌های هندبا اشاره کرده‌اند.

ابن جزله در *منهاج البیان* چنین آورده است: «منه بری و منه بستانی و هو صنفان: عریض الورق و دقیق الورق و هو کالخص الا أنه دونه فی خصاله و هو أفضل من الخس فی تنقیح السدد و قد تشتد حرارته فی الیصیف، فیمیل إلى قلیل حرارة لا مؤثر و أجودها الرطوبة العذبة البستانیة و أفضلها الشاتیة و یسمى أنطوبیا ... و البریة تسمى طرشقوق...» (1431: 847).

اشبیلی، هندباء را به انواع بسیاری همچون بری، بستانی، سفید و سیاه و آنها را نیز به انواع دیگری تقسیم کرده و هر یک را به اسامی مختلف نامیده و ویژگی‌های گیاه شنا سی آنها را بر شمرده است. او هندبای بستانی را به سه نوع سفید، سبز و سیاه دانسته است. هندبای بستانی سبز که برگ‌های طویل و گلی آبی رنگ دارد، سریش شتوی و نوع سیاه را آنطوبیا، سریش شامی و ها شمی نامیده است (اشبیلی، 1995: ج 2: 538-539). برای هندبای بری نیز انواعی قائل شده است؛ از جمله نوعی از آن برگ‌های مایل به سیاه و گل زرد دارد و کنار آب می‌روید (اشبیلی، 1995: ج 2: 609-610).

1 «بهترین بستانی و مزاجش سرد در اول درجه اول و خشک در دوم است. اگر با فلوس خیارشنبر نوشیده شود، برای گرفتن کبد و یرقان و ورم‌های داخلی گرم مفید است و اگر از خارج با صندل مالیده شود، برای ورم‌های گرم مفید است زیرا [آنها] را نرم و حل می‌کند».

2 «نوعی از آن بری و نوعی بستانی و دو نوع است: برگ پهن و باریکی همچون برگ کاهو دارد... و برتر از کاهو در اصلاح گرفتن است و گاهی در تابستان حرارتش بیشتر می‌شود و به سمت [حرارت] کم میل می‌کند. بی‌تاثیر است و بهترینش مرطوب شیرین بستانی است و بهترینش زمستانی است و آنطوبیا نامیده می‌شود... و نوع بری طرشقوق نامیده می‌شود».

جرجانی در *الأعراض الطبیة و المباحث العلانیة* (1345: 591) و کاسانی در تحریر فارسی صیدنه به انواع، نام و خواص این گیاه اشاره کرده‌اند.

الحاوی فی الطب، منهاج البیان، القانون فی الطب، الأدوية المفردة، الجامع لمفردات الأدوية و الأغذیة، اختیارات بدیعی، تذکرة الأولی الألباب، حدیقه الأزهار فی ماهیه العشب و العقار، تحفه المؤمنین و مخزن الأدوية به نام‌ها، انواع و ویژگی‌های هر یک از انواع هندبا و خواص آنها اشاره دارند (نیز شکل 2 که تصویری از هندبا و شرح آن را در کتاب *الأدویة المفردة* غافقی نشان می‌دهد).



شکل 2- مدخل «هندبا» در کتاب *الأدویة المفردة* غافقی، گ 139 پ

از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن است که انطاکی، حکیم مؤمن و عقیلی علوی خراسانی نیز انواع هندبا و شرح گیاه شناسی هر یک را بر شمرده‌اند که برر سی محتوایی آثار هر یک از این حکما تشابه بسیاری را در این موارد در تذکرة *أولی الألباب، تحفه المؤمنین و مخزن الأدوية* نشان می‌دهد. در جدول 2 شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوای هر یک از آثار یاد شده در مدخل «هندبا» نشان داده شده است. مواردی که به‌طور مشترک در هر سه کتاب وجود دارند، به صورت پر رنگ مشخص شده است.

جدول 2- مقایسه مدخل «هندبا» در تذکره‌الاولی‌الالباب، تحفه‌المؤمنین و مخزن‌الدویه

منبع	انواع و گیاهشناسی هندبا
تذکره‌الاولی‌الالباب	نبت معروف اذا أطلق البقل بمصر كان هو المراد و هو بری و بستانی و البستانی نوعان صغیر الورق دقیقه و زهره أصفر و أسمانجونی و هو هندبا البقل و الآخر عریض الورق خشن رخص قليل المرارة هو البلخیه الهاشمیه و مطلق البری بارد یابس فی الآخر الاولی و بیسه اکثر دقیق الورق من هذه الأنطونیا لاشی فی البقول ألطف منه حتی إن الغسل یحمل أجزاءه اللطیفه فلا یجرز و یتغیر مع الفصول فکیف مع الأزمنته و من ثم لو یصر مبرودا مع برده ¹ ...
تحفه‌المؤمنین	بستانی و بری می‌باشد و بستانی از دو قسم می‌باشد. یکی را برگ بزرگ و دراز و با خشونت و مایل به تلخی و گلش کبود و بزرگ و او را هندبای شامی نامند و تبرید و ترطیب او زیاده از قسم صغیر است و یکی را برگ کوچک و گلش کبود و ریزه و تلخی او غالب، او را هندباء البقل نامند. هر دو قسم در اول سرد و تر و با اجزاء حاره لطیفه که از شستن رفع گردد و از جهت لطافت منوط به حسب اختلاف هوا و زمان و مکان تغییر طعم و رنگ و طبع او می‌شود...
مخزن‌الدویه	نباتی است معروف و در اکثر بلاد بهم میرسد و اقسام میباید از بری و بستانی و هر یک نیز بر دو قسم است آنچه را برگ بزرگ و دراز و با خشونت و مائل بتلخی و ساق آن تا بدو ذرع و زیاده هندباء البقل گویند و بحسب اختلاف اهوویه و امکانه و از منته تغییر در طعم و رنگ و طبع آن بهم میرسد در تابستان گاه است که تلخی بسیار بهم میرساند پس آن هنگام میل بحرارت کمی مینماید بحدیکه اثر برودت بسیار از آن ظاهر نمیگردد و بستانی را کاسنی و بری را طرخشقوق نامند...

انطاکی، هندبا را به دو نوع بری و بستانی و هر یک را به دو نوع دیگر تقسیم کرده و ویژگی آنها را برشمرده و نام‌های آنها را بیان کرده است (1966: ج 1: 382). حکیم مؤمن، هندبا را به دو دسته تقسیم کرده، یکی دارای برگ بزرگ و دراز و گلی کبود که هندبای شامی نامیده می‌شود و دیگری دارای برگ کوچک و گلی کبود که هندباء البقل می‌گویند (1378: 262-263). عقیلی علوی خراسانی نیز کاسنی

1 گیاهی معروف است که در مصر سبزی اطلاق می‌شود و بری و بستانی است. بستانی دو نوع است: یک نوع برگ کوچک نازک و گل سفید و کبود دارد و هندبای خوراکی است و نوع دیگر برگ پهن زبر دارد. نرم است و تلخی کمی دارد و نوع بلخی هاشمی است. نوع بری سرد و خشک در آخر اول است و خشکی آن بیشتر است. انطویبا برگ نازک دارد. لطیف‌تر از آن سبزی وجود ندارد. وقتی شسته می‌شود، اجزایش لطیف‌تر می‌شوند. با تغییر فصل کیف آن نیز تغییر می‌کند. از آنجا که اگر سرد شود با سردیش...

را به دو نوع بستانی با نام هندباء البقل با گل‌های کوچک و کبود و بری به نام طرخشقوق و بقله البیهودیة با گل‌های کبود و برگی باریک‌تر توصیف کرده است (1371: 890-891).

بنابر بررسی‌های این پژوهش، می‌توان از آثاری چون *الصیدنه فی الطب* و تحریر فارسی آن و نیز بحر *الجواهر* برای بررسی اعراب و شیوه تلفظ واژه هندبا استفاده کرد. همچنین دو منبع اول به نام‌های مختلف هندبا در زبان‌های مختلف نیز اشاره کرده‌اند. جدول 3 تفاوت محتوایی این دو منبع را در مدخل «هندبا» نشان می‌دهد که بیشتر این تفاوت‌ها به اطلاعات مربوط به شرح واژه هندبا برمی‌گردد.

جدول 3- بررسی تفاوت‌های *الصیدنه فی الطب* و تحریر فارسی آن در مدخل «هندبا»

تحریر فارسی صیدنه	<i>الصیدنه فی الطب</i>
«هندباء و هندبا به الف ممدوده و مقصوره از اجزای تره‌هاست یعنی نبات او را در فصل تابستان بیخ خشک چنانکه بعضی از نباتها را و بیشتر از اهل بادیه هندب به فتح دال گویند و هر سه لغت در وی درست است. و ابن بزرج گوید عرب هندبا و باقلا را به تانیث گویند چنانکه گویند: هذه هندبا و باقلا. و باقلا از ابن سسکیت بتخفیف لام منقولست و هندبا بمد الف هم ازو نقل کرده است؟؟؟ آن هم ابن بزرج روایت کند از بوزید بروایت ثعلب از ابن الاعرابی که عرب هندبا را لعاعه گویند و طرکسیمی گویند و گفت هندبا در؟؟؟ بقصر الف و مد او لغت است و بلغت رومی هندبا را ایطوبیا گویند و طره کسیمی هم گویند و طلحه گوید و بعضی از پارسیان کسینج و کسنی گویند و کسنی دشتی را بلغت سریانی خس مرارا گویند و بیارسی طلخشقوق گویند...»	«الهندباء بکسر الدال یمد و بفتحہ یقصر و هو بالرومیة بکریدیا و انطونیا و ایضا انطوبیا و ایضا طرکسیمی و بال سریانیة حدبی و بالفارسیة کسناج و ایضا... مک طلحه و ایضا کسنی. حمزة: کسنی و کذی هو ایضا بالسجریة. قال علی بن المنجم فی انسان: هو الهندباء و طروقسمون و سنخوس و قال آنها متشابهة فی الطبع و قال آخر: یا صورة صاعها التجار من خشب و وسط الكنيسة فی تمثال تردیس و البری منه بال سریانیة حلیاتا و ایضا خس مراری و بالفارسیة طلخشقوق. قال صاحب الیاقوتة: اللعاعه هی الهندباء.»

نام‌های مشترک در این دو منبع عبارت‌اند از: رومی آنطونیا/ آنطوبیا/ ایطوبیا و طرکسیمی/ طره کسیمی، فارسی کسناج، کسینج و کسنی، طلحه/ طلخه، کسنی و طلخشقوق/ طلخشقوق، سریانی خس مراری/ خس مرارا و همچنین نام لعاعه که درباره اینکه مربوط به چه زبانی است، سخن به میان

نیامده است. همچنین در تحریر فارسی صیدنه درباره شیوه تلفظ واژه هندبا مطالبی آمده که در *الصیدنه* به آن اشاره نشده است. جدول 4 تفاوت این دو منبع را از نظر نام‌های مختلف هندبا نشان می‌دهد.

جدول 4- تفاوت *الصیدنه فی الطب* و تحریر فارسی صیدنه در نام‌های هندبا

تحریر فارسی صیدنه	<i>الصیدنه فی الطب</i>
سایر نام‌ها: هندب	رومی: بکریدیا سریانی: حدبی، حلیانا سجزی: کشنی و کذی سایر نام‌ها: طروقسمون و سنخوس

افزون بر این، آثاری چون *منهاج البیان، الأدوية المفردة، عمدة الطیب فی معرفة النبات و ریاض الأدوية* نیز به نام‌های مختلف هندبا اشاره کرده‌اند. در این میان، ابن جزله در *منهاج البیان* هندبا را با نام‌هایی چون انطویا و نوع بری آن را طرشقون نامیده است. همچنین، اشیبلی در *عمدة الطیب* نام‌های متعددی برای انواع مختلف هندبا معرفی کرده است. او نوع بری را به انواع مختلف دانسته و از آن جمله یک نوع را قیخوریون، شرالیه، طرشقون و تفاف و نوع دیگر را طرشقون، شارش، یعضید و هندباء مجوسی نامیده است (1995: ج2: 609-610). برای آگاهی درباره ویژگی‌های گیاه‌شناسی هندبا نیز می‌توان از آثاری چون *الإعتماد فی الأدوية المفردة، منهاج البیان، الأدوية المفردة و عمدة الطیب بهره برد*. در میان آثار یاد شده، *عمدة الطیب* به شرح کامل تری از هندبا اشاره دارد. آثاری چون *الحوای فی الطب، الجامع لمفردات الأدوية و الأدوية، اختیارات بدیعی، تذکره اولی الألباب، حدیقه الأزهار، تحفه المومنین و مخزن الأدوية* توضیحات مفصلی درباره نام، انواع، ویژگی‌های گیاه‌شناسی و خواص هندبا عرضه کرده‌اند. کهن‌ترین آگاهی‌ها درباره خواص هندبا را می‌توان از آثاری چون *فردوس الحکمه، الحوای فی الطب، الإعتماد فی الأدوية المفردة، منهاج البیان* و تحریر کهن فارسی صیدنه کسب کرد؛ برای نمونه در جدول 5 محتوای دو کتاب *منهاج البیان* و تحریر فارسی صیدنه در مدخل هندبا با هم مقایسه شده‌اند. *منهاج البیان* از آثار مورد استفاده بیرونی و کاسانی در صیدنه و ترجمه کهن فارسی آن بوده است. در *منهاج البیان* به شرح گیاه‌شناسی هندبا پرداخته شده، اما در تحریر فارسی صیدنه توضیحاتی درباره واژه هندبا آمده است. تفاوت این دو منبع در بخش خواص هندبا چندان چشمگیر نیست. گفتنیست که ابن جزله نام هیچ یک از حکمای یونانی و دوره اسلامی را یاد نکرده، اما کاسانی در تحریر فارسی صیدنه از قول ارجانی خواصی را برای هندبا برشمرده است.

جدول 5- محتوای مدخل «هندبا» در منهاج البیان و تحریر فارسی صیدنه

تحریر فارسی صیدنه	منهاج البیان
<p>هندباء و هندبا به الف ممدوده و مقصوره از اجزای تره‌هاست؛ یعنی نبات او را در فصل تابستان بیخ خشک چنانکه بعضی از نباتها را و بیشتر از اهل بادیه هندب به فتح دال گویند و هر سه لغت در وی در ست است. و ابن‌برزج گوید عرب هندبا و باقلا را به تانیث گویند. چنانکه گویند: هذه هندبا و باقلا. و باقلا از این سکیت بتخفیف لام منقولست و هندبا بمد الف هم از وی نقل کرده است؟؟؟ آن هم ابن‌برزج روایت کند از بوزید بروایت ثعلب از ابن‌الاعرابی که عرب هندبا را لعاعه گوید و طرکسمی گویند و گفت هندبا در؟؟؟ بقصر الف و مد او لغت است و بلغت رومی هندبا را ایطوبیا گویند و طره کسیمی هم گویند و طلحه گوید و بعضی از پارسیان کسینج و کسنی گویند و کسنی دشتی را بلغت سریانی خس مرارا گویند و بیار سی طلخشقوق گویند و هر چه تلخ‌تر است سردی در طبع او زیادت است و هندبای دشتی سرد و خشک است در درجه اول ارجانی گوید هندبای دشتی سرد و خشک است در درجه اول و آماس‌های گرم را منفعت کند و اگر ماده تلخ به معده رسد و معده را بسوزد سوختن او را منفعت کند و بیخ او گزیدگی کژدم را مفید است و اما کسنی بستانی سرد است در درجه اول و در رطوبت و بیوسست معتدل است و قوت دفع حرارت و سرد گردانیدن مزاج اعضا در وی زیادت است و صفرا را تسکین دهد و آب او علت یرقان را منفعت کند و سده‌های جگر و عروق را بگشاید. و اگر از آرد جو و آب کسنی ضماد کنند ورمهای گرم را بنشانند و علت خفقان را مفید است. و انواع هندبا جمله سرد است به طبع و هر کدام از وی به طعم تلخ‌تر است سردی در طبع او زیادت است.</p>	<p>هندباء منه بری و منه بستانی و هو صنقان: عریض الورق و هو کالخص الا أنه دونه فی خصاله و هو أفضل من الخس فی تفتیح السدد و قد تشتد ممرته فی الصيف، فیمیل إلى قلیل حرارة لاتوثر و أجوها الرطوبة العذبة البستانیة و أفضلها الشامیة و یسمى أنطوبیا و هی باردة فی آخر الدرجة الاولى، رطبة فی آخرها أيضا و قیل: یابسه فی التانیة. و البریة تسمى طرشقوق و هی أقل رطوبة من البستانیة و هی تفتح السدد التی فی الكبد و العروق و فیها قبض لیس شدید، و هی تبرد طلاء مع اسفیداج الرصاص و یضمدم بمائه النقرس و ینفع من الرمد الحاد و ضماداً و یضمدم به للخفقان مع دقیق شعیر و یسکن الغثیان و هیجان الصفراء و حرارة المعدة و یعقل البطن و ینفع من حمی الربیع و لسع العقارب و الهوام و الزنابیر و الحیة و سام أبرص ضماداً مع السویق. و لبن البری یجلو بیاض العین و الهمندباء بطیئة الهضم و تصلح بالرشاد.</p>

طرخشقوق در منابع دوره اسلامی

یکی از نام‌هایی که حکمای دوره اسلامی برای هندبا بر شمرده‌اند، طرخشقوق است که ربن طبری آن را به صورت *طلخشقوق*، ابن جزار *طرخشقوق* و ابوریحان بیرونی *طلخشکوک* آورده است. دیوسکوریدس در *الحشائش* این گیاه را با نام‌های دیگری چون *خندریلی* و *یعضید* و *طرخشقوق* نیز نامیده و آن را شبیه کاسنی بری دانسته است که اندام‌های کوچکتر و نازک‌تری دارد و در گیاه‌شناسی معاصر با گیاه *Taraxacum officinale* و *Chondrilla juncea* تطبیق داده شده و به کاسنی زرد نیز معروف است (ترجمه اصطفی بن بسیل، 1952: 201). برخی حکمای دوره اسلامی آن را کاسنی بری در نظر گرفته و برخی آن را شبیه این گیاه دانسته‌اند که آرای اخیر درست می‌نماید (دیوسکوریدس، 1390: 181 و پانویس 2: ابن جزار، 2004: 52 و پانویس 1: ابن جزله، 1431: 847؛ ابن سینا، 1408: ج 1: کتاب دوم، 483 و پانویس 5: ابوریحان بیرونی، 1370: 410، 630). از جمله ابوالخیر اشبیلی هندبای بری را شش نوع دانسته و نوعی از آن را که برگ مایل به زرد، شیرابه زیاد و گل زرد مایل به سفید دارد، با نام‌هایی چون *شرالیه*، *طرشقون* و *تفاف* نامیده است.

ابن میمون، نوعی از هندبای بری را به بربری تیفاف، به اندلسی شرالیه و به عربی یعضید و نوع دیگری را *طلخشقوق* / *طرخشقوق* و به یونانی آمیرون نامیده است (1940: 14-15؛ نویری، [بی‌تا]: سفر 11: 68؛ ناظم جهان، بی‌تا: 198؛ امیری، 1353: 408-409؛ برای انواع دیگری از هندباء بری شرح کتاب *دیا سقوریدس*، 1989: 55؛ برای ویژگی‌های گیاه شناسی ت. آفیسینال مظفریان، 1394: 287-288).

نتیجه گیری

در این پژوهش، مدخل هندبا در آثار پزشکی و دارو سازی دوره اسلامی از سده سوم تا دوازدهم قمری بررسی شده است. نتایج نشان از آن دارد که این منابع از لحاظ محتوایی به چند دسته تقسیم می شوند و هر یک بخش یا بخش هایی از اطلاعات مورد نیاز درباره این گیاه را در بر می گیرند از جمله؛ منابع مختص به نام های هندبا؛ انواع و خواص این گیاه؛ انواع، نام و ویژگی های هر یک از انواع هندبا؛ انواع، ویژگی ها و خواص هندبا؛ مختص به خواص آن؛ نام و خواص هندبا؛ انواع، نام و خواص این گیاه؛ دربرگیرنده همه موارد یاد شده.

برای دسترسی به اطلاعاتی جامع درباره هندبا باید مجموعه ای از آثار یاد شده را بررسی کرد؛ برای نمونه از آثاری چون *الصیدنه فی الطب* و *تحریر فارسی آن و نیز بحر الجواهر* برای بررسی اعراب و شیوه تلفظ واژه هندبا می توان استفاده کرد. آثاری چون *عمده الطبیب فی معرفه النبات* به انواع هندبا و نام های مختلف و ویژگی های ریخت شناسی هر یک می پردازد. منابعی چون *منهاج البیان، تذکره الأولی الألباب* و *مخزن الأدوية* مشتمل بر انواع هندبا، نام های آن، ریخت شناسی و خواص هندباست. سه منبع اخیر شباهت های قابل توجهی با یکدیگر دارند. طرخشقوق نیز در بیشتر منابع کهن هندبای بری دانسته شده است.

منابع

- ابن جزّار، احمد بن ابراهیم (2004). *الاعتماد فی الادویة المفردة: العلاج بالادویة العربیة*. چاپ ادوارقش. بیروت: شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.
- ابن میمون، موسی بن میمون (1940). *شرح اسماء العقار* [متن، همراه با ترجمه فرانسوی و شرح] ماکس مایرهورف. [قاهره]: موسسه فرانسوی باستانشناسی شرق.
- ابن بیطار (1989). *فی الادویة المفردة: تفسیر کتاب دیاسقوریوس*. چاپ ابراهیم بن مراد. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- ابن بیطار (بولاق 1291). *الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة*. چاپ افست بغداد [بی تا]. 4 جلد در 2 مجلد. مکتبه المثنی.
- ابن جزله. یحیی بن عیسی (1431). *منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان*. قاهره: جامعه الدول العربیة، المنظمه العربیة للتربیة و الثقافه و العلوم، معهد المخطوطات العربیة.
- ابن سینا. حسین بن عبدالله (1408). *القانون فی الطب*. بیروت: موسسه عزالدین.
- ابوالخیر اشبیلی، محمد بن خیر (1995). *عمدة الطبیب فی معرفه النبات*. چاپ محمد عربی خطابی. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (1370). *کتاب الصیدئة فی الطب*. چاپ عباس زریاب. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- اصلاح عربان، ابراهیم (1374). *کتاب گیلان*. تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- امیری، منوچهر (1353). *فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار یا تحقیق درباره کتاب الأبنیة عن حقائق الادویة موفق الدین ابومنصور علی الهروی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- انصاری شیرازی، علی بن حسین (1371). *اختیارات بدیعی (قسمت مفردات)*. چاپ محمد تقی میر. تهران: شرکت دارویی پخش رازی.
- انطاکی، داوود بن عمر (1416/1966). *تذکره اولی الالباب [و] الجامع للعجب العجاب*. [قاهره]: مکتبه الثقافه الدینیة.
- بشرا، محمد (1389). *طب سنتی مردم گیلان (گلیه تجروبه)*. رشت: فرهنگ ایلیا، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.
- بکری بلخی، محمد بن قوام بن رستم (1394). *بحر الفضائل فی منافع الافاضل*. مصحح: میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بهرامی، تقی (1313-1314). *کتاب فلاح*. تبریز: مولف.
- جانب اللهی، محمد سعید (1390). *پژشکی سنتی و عامیانه مردم ایران با نگاه مردم شناختی*. تهران: امیرکبیر.
- جاویدتاش، ایرج (1375). *بررسی و تحقیق پیرامون کاشت کاسنی*. هماهنگ کننده: پرویز باباخانلو. تهران: مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع.
- جرجانی، اسماعیل بن حسین (1345). *کتاب الأغراض الطبییة و المباحث العلائیة*. عکس نسخه مکتوب در سال 789 هجری محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران؛

- حسن دوست، محمد (1399). فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار.
- حکیم مؤمن، محمد مؤمن بن محمد زمان (چاپ سنگی تهران 1277، چاپ افسست 1378). تحفه حکیم مؤمن. تهران: مصطفوی.
- دیوسکوریدس. پدانیوس (1383). کتاب الحشایب دیسکوریدوس. ترجمه مهرا بن منصور. چاپ عکسی از نسخه خطی [کتابخانه] کاخ گلستان. تهران
- رازی، محمد بن زکریا (2000/1421). الحاوی فی الطب. چاپ محمد محمد اسماعیل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ربن طبری، علی بن سهل (1928). فردوس الحکمه فی الطب. چاپ محمد زبیر صدیقی. برلین: آفتاب.
- رفیق الدین، محمد (1985). کنز الادویه المفرده. علی گره: مسلم یونیورسی پریس.
- زرگری، علی (1368). گیاهان دارویی. 3 جلد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلوم، محمد داود (2003). معجم الكلمات الاکدیة فی اللغات الشرقیة القدیمة و الإغریقیة و اللاتینیة. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- شرح لکتاب دیاسکوریدوس فی هیولی الطب. وضعه مولف مجهول فی نهاییة القرن السادس هجری. (1988/1408). شرح و ترجمه آلبت دیترش. گوتنگن: دار النشر فاندنهورک و روبرخت.
- شکورزاده، ابراهیم (1346). عقاید و رسوم عامه مردم خراسان. تهران: سروش.
- شیرزاد، میثم؛ رحیمی، روجا؛ سلیمانی، سمانه؛ حسین سالاری، افسانه؛ قدمی، شیما؛ خلج، امیر و سایر همکاران (1399). هندبا. مجله طب سنتی اسلام و ایران، 11(3).
- طباطبائی، محمد (1365). گیاه شناسی کاربردی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عقیلی علوی خراسانی، محمد حسین بن محمد هادی (1844). مخزن الادویه. چاپ افسست تهران 1371: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- غافقی، احمد بن محمد. الادویه المفرده. چاپ فاک سیمیله نسخه خطی شماره 7508، موجود در کتابخانه او سلر. مونترال 2014.
- فرض پور ماچیانی، سارا. دانشنامه جهان اسلام. «کاسنی». در دست چاپ.
- الفلاحه النبطیه، الترجمة المنحولة الی ابن وحشیه. چاپ توفیق فهد. دمشق 1993 – 1998.
- قزوینی، زکریا بن محمد (1361). عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات (تحریر فارسی). چاپ نصرالله سبوحی. [تهران]: کتابخانه مرکزی.
- قنادی، علیرضا؛ مینائیان، محسن و عابد، علیرضا (1389). دیروز هندبا؛ امروز کاسنی (*Cichorium intybus* L.؛ دارویی برای فردا. مجله طب سنتی اسلام و ایران، 1(4).
- قهرمان، احمد (1373). کورموفیت های ایران: سیستماتیک گیاهی. 3 جلد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قهرمان، احمد و اخوت، احمد رضا (1383). تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی با نام های علمی. تهران: دانشگاه تهران.
- کاسانی، ابوبکر بن علی بن عثمان. تحریر فارسی صیدنه. نسخه بریتانیا. ش 5849. Or.
- مجوسی، علی بن عباس (1294). کامل الصناعة الطبیة. بولاق: المطبعة الکبری.
- محمدی فر، شمامه (1394). دانش رده بندی گیاهان در کتاب الحشایب دیوسکوریدس. مجله تاریخ علم، 13

(2)

مظفریان، ولی الله (1394). شناخت گیاهان دارویی و معطر ایران. تهران: فرهنگ معاصر.

معینی، منصور و کلاهدوزان، اکبر (1394). بررسی تطبیقی کاربردهای درمانی سداب و کاسنی در احادیث و روایات، اشعار فارسی و پژوهش‌های معاصر. مجله طب سنتی اسلام و ایران، 6 (4).

مولوی، محمدعلی (1378). دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ذیل «ابن وحشیه». تهران.

ناظم جهان، محمد اعظم (بی تا). کتاب / سماء الادویه. چاپ افست تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.

نویری، احمد بن عبدالوهاب (بی تا). نهاییه الارب فی فنون الادب. سفر 3. قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.

هروی، موفق بن علی (1346). الابنیة عن حقایق الادویه. مصحح: احمد بهمنیار. چاپ حسین محبوبی اردکانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هروی، موفق بن علی (1375). فرهنگ نامهای گیاهان ایران. تهران: فرهنگ معاصر.

هروی، موفق بن علی (1391). کتاب دیستوریس: مبانی پزشکی و کاربرد داروهای گیاهی، جانوری، معدنی و زهر شناسی، ترجمه فارسی و تحقیق [بر مبنای] ترجمه عربی مهرا بن منصور بن مهرا [از] محمود طباطبائی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.

هروی، موفق بن علی (1397). فلور گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.

هروی، موفق بن علی (1952). هیولی الطب فی الحشائش و السموم. ترجمه اصطفی بن بسیل و اصلاح حنین بن اسحاق. چاپ سزارا. دوبلر و الیاس ترس. تطوان: دار الطباعة المغربية.

یوسفی هروی، یوسف بن محمد (1391). ریاض الادویه. مقدمه و تصحیح: سید محمد نظری. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران.

یوسفی هروی، محمدبن یوسف (1288). بحر الجواهر. چاپ سنگی طهران: مطبعه آقامیرزا علی اکبر طهرانی.

Milne. Lorus & Margery (1970). *Living plants of the world*. New York: Random house.

Sir Ghillean Prance & Mark Nesbitt (2005). *The cultural history of plants*. New York: Routledge.

Şan'ānī. Sha'bān b. Salīm (1993). *Die Natā'ig al-fikar des Sha'bān b. Salīm aṣ-Şan'ānī: eine jemenitische Gesundheitsfibel aus dem frühen 18. Jahrhundert*, Text, übersetzung und Kommentar [von] Armin Schopen und Oliver Kahl. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

Shirāzy. Noureddeen Mohammad Abdullah (1793). *Ulfāz udwiyeh or the materia medica in the Arabic, Persian and Hindevy languages*. with English translation by Francis Gladwin. Calcutta: Chronicle press.

Fahd. Toufic (1996). Botany and agriculture in *Encyclopedia of the history of Arabic science*, vol. 3, Technology, Alchemy and Life sciences. ed. by Roshdi Rashed. London: Routledge.

Tuḥfat al-aḥbāb (Glossaire de la matière médicale marocaine) (1934). ed. & tr. H. P. J. Renaud & G. S. Colin. Paris: Paul Geuthner.